

بررسی علل بزهکاری در نوجوانان

معصومه قلی بیگیان

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی

مقدمه

پیشگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی نه با شعار، که با شناخت دقیق برنامه‌ریزی و اقدامی اجتماعی میسر است. برای برنامه‌ریزی و مراقبت از ناهنجاری‌های اجتماعی نخست باید مسایل فردی را از مسایل اجتماعی بازشناخت. یکی از وجوه تمایز مسایل فردی نظیر بیماری‌های جسمی، از ناهنجاری‌ها و مسایل اجتماعی در این است که، در مقوله‌ی نخست علت پزشکی، رونق بیشتری یافته و هم بسیار خود در پی مداوای خویش می‌باشد و مهمتر اینکه به درستی به توصیه‌های پزشک نیز عمل می‌کند. اما در باره‌ی مسایل اجتماعی، وضع به گونه‌ای دیگر، ناشی از عملکرد نهادهای اجتماعی، روابط اجتماعی و گروه‌های اجتماعی می‌باشد و در نتیجه بسیاری از مشکلات اجتماعی نظیر، بزهکاری نوجوانان و مشکلات خانوادگی را، بیشتر از جنبه‌ی زیستی و روان‌شناختی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهند و بر همان اساس برای مشکلات اجتماعی نسخه فردی می‌پیچند، در حالی که برای پیشگیری از معضل بزهکاری نوجوانان، باید در کنار نهادهای اجتماعی بازنگری شود و با تدوین برنامه‌های نابین سلامت اجتماعی از این معضل پیشگیری کنند.

شکوه علوم انسانی و معارف اسلامی
رتال جامع علوم انسانی

بزه عبارت است از اقدام به عملی که بر خلاف موازین، مقررات و قوانین و معیارهای ارزشی و فرهنگی جامعه باشد. (فرجاد، ۱۳۷۲، ص ۶۹)

بررسی‌های جرم‌شناسی نشان می‌دهد که هر معلولی علتی دارد و هیچ چیز به خودی خود به وجود نمی‌آید. بنابراین هر جرمی هم دارای علت‌های سازنده‌ای است که، بر افراد جامعه اثر می‌گذارد و آنان را به سوی ناسازگاری و ناهنجاری سوق می‌دهد. پیامد این سوق دادن‌ها: ارتکاب بزه است و کسی که مرتکب بزه می‌شود (بزهکار) نامیده می‌شود. (ستوده و میرزایی، ۱۳۸۱، ص ۱۴۲).

بزهکاری مجموعه‌ای از جرم‌ها است که در یک زمان و مکان معین به وقوع می‌پیوندد. در واقع بزهکاری شناخت عامل‌هایی است که، جرم ایجاد می‌کنند. یا به عبارت دیگر مطالعه‌ی این پدیده مورد بررسی قرار می‌گیرد، در حقیقت کلیه‌ی پدیده‌های اقتصادی، فرهنگی، بهداشتی، سیاسی، مذهبی، خانوادگی و مانند آنها را در جامعه شامل می‌شود. (ستوده و میرزایی ص ۱۴۳).

در ایران بزهکاری به کل جرم‌هایی گفته می‌شود که، در صورت ارتکاب، به موجب قوانین قصاص، دیات، حدود و تعزیرات دارای مجازات هستند. حداقل سن بزهکاری در جامعه‌های مختلف فرق می‌کند: حداقل سن در آمریکا ۷، انگلستان ۱۰، یونان ۱۲، فرانسه و لهستان ۱۳، اتریش، آلمان، ایتالیا، بلژیک و یوگسلاوی ۱۴ سال است. حداقل سن بزهکاری در زندان اصفهان ۱۲ سال گزارش شده است. در کانون اصلاح و تربیت تهران و مشهد حداقل سن ۱۰ سال بوده است. (کوراسوس، ۱۳۶۹، ص ۶۰۵).

از نظر اجتماعی بزهکاری را به سه دسته تقسیم کرده‌اند:

بزهکاری درباره‌ی اشخاص عادی جامعه مانند ضرب و جرح، تجاوز به عنف، کشتن به عمد یا غیرعمد بزهکاری بر ضد دارایی و مالکیت دیگران مانند دزدی، جعل اسناد بزهکاری بر ضد نظم عمومی مانند فحشا و خرید و فروش مواد مخدر

بزهکاری را نباید منحصر به طبقه‌ی خاصی دانست. شاید عده‌ای راه فرار از قانون را بدانند و با حيله و دسیسه از چنگ قانون فرار کنند و طبعاً جزو آمار محسوب نشود. آنچه مسلم است بزهکاری در تمام طبقه‌ها وجود دارد ولی میزان آن در طبقه‌های پایین اجتماع بیشتر است. (فرجاد، ۱۳۷۲، ص ۱۷۰).

عامل‌های خانوادگی موثر در بزهکاری

تبعیض: بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که، تبعیض در خانواده و توجه بیشتر والدین به برخی از فرزندان و توجه کمتر نسبت به برخی دیگر، سبب ایجاد عقده‌ی کمتری و احساس نفرت و بدبینی در کودک می‌شود. به قول (ویتریچ گروبرگ ولف) هم‌چشمی و رقابت موجود در خانواده تاثیر مخرب فراوانی در روحیه‌ی کودکان به جای می‌گذارد و موجب می‌شود کودک خود را با برادران و خواهران دیگر مقایسه کند و بر اثر محبت بیشتر والدین در حق آنان احساس کمتری به او دست دهد.

خشونت: رفتار خشونت‌آمیز خانواده پیامدهای نامناسبی در تربیت کودکان برجای خواهد گذاشت.

(رالف، ه اومجان) خانواده‌های پرخاشگر را علت اصلی انحراف و ناسازگاری کودکان و نوجوانان می‌داند. به عقیده‌ی پاره‌ای از روانشناسان و کارشناسان آمریکایی، ریشه‌ی اصلی جنایت‌ها و خشونت‌ها در جامعه، اعمال خشونت و تنبیه‌های بدنی است که، والدین در مورد فرزندان اعمال می‌دارند و این باعث ایجاد عقده‌های روانی در آنان می‌شود.

سن والدین: پدر و مادر خیلی مسن، فاقد واکنش‌ها و اعمال انعکاس ضروری هستند و نمی‌توانند وظیفه‌هایی را که از نظر تربیت فرزندان بر عهده دارند به خوبی به عمل آورند و آنان را برای یک زندگی سالم و پایبند به مقررات و ارزش‌های اجتماعی به بار آورند.

عقب‌ماندگی خانوادگی: خانواده‌های ایستا یا خانواده‌هایی که مسیر قهقرای طی می‌کنند، فرزندان خود را بدبین، غیراجتماعی و بالاخره عصیانگر به بار می‌آورند. خانواده‌هایی که با زمان پیش نمی‌روند و انتظار دارند فرزند آنان نیز با راه و رسم قدیمی و کهنه به زندگی ادامه دهند، موجبات ناسازگاری روانی فرزندان با



جامعه را فراهم می‌آورند، به قول (هابس) بسیاری از کودکان پریشان حال و آشفته، از خانواده‌هایی هستند که از زندگی اجتماعی مجزا و بیگانه‌اند. به نظر وی کودک و خانواده‌ی وی می‌باید فعالانه در امور اجتماعی سهیم باشند.

بی‌سوادی: اگر خانواده نسبت به چگونگی نیازمندی‌ها و استعداد و عواطف فرزندان‌شان ناآگاه باشند، لطمه‌ی بزرگ و خسارت جبران‌ناپذیری متوجه شخصیت و سلامت روان کودک می‌سازد. مقصود از آگاه بودن والدین، فقط خواندن و نوشتن زبان مادری نیست، بلکه پایین بودن سطح فرهنگ و ناآگاهی به مسایل علمی - پرورشی است که زمینه‌ساز ارتکاب جرم به شمار می‌رود. **انحراف والدین:** انحراف والدین یا یکی از اعضای خانواده و روال اخلاقی آنان، ارتباط مستقیمی با انحراف کودکان و نوجوانان دارد. خانواده‌ای که بر اثر اعتیاد به الکل و یا مواد مخدر به فساد کشانیده شود که فقط نمی‌تواند کودکان سالمی پرورش دهد، بلکه، رفتار و ویژگی آنان الگویی می‌شود برای کشانده شدن فرزندان به سوی ناسازگاری‌ها و انحراف‌های گوناگون **طلاق و کشمکش خانوادگی:** گسستگی خانواده تأثیری مستقیم و

نازپروردگی کودکان و کودکان به خود رها شده، یعنی کودکانی که بر اثر جدایی پدر و مادر از یکدیگر، یا بر اثر غفلت و بی‌اعتنایی نسبت به تربیت آنان از راهنمایی و تشویق محروم مانده‌اند. مفاهیم نادرستی از جهان می‌یابند و در بزرگسالی دشمن اجتماع می‌شوند، شیوه‌ی زندگی آنان سلطه‌پذیری به همراه نیاز به انتقام‌جویی است.

ویژگی‌های نوجوانان بزهکار:

- به طور کلی می‌توانیم ویژگی‌های نوجوانان بزهکار را به گونه‌ی زیر تقسیم‌بندی کنیم:
۱. درصد بالایی از بزهکاران تمایل شدید خویش را به فعالیت‌های ماجراجویانه ابراز می‌دارند.
 ۲. معمولاً افراد بی‌قرار و ناآرام و به دنبال هیجان می‌گردند.
 ۳. در صورتی که پول در اختیار داشته باشند چندین بار در هفته به سینما می‌روند.
 ۴. تا دیروقت بیدار می‌مانند.
 ۵. دزدی‌های خویش را بیشتر در تاریکی شب مرتکب می‌شوند.

۶. کشیدن سیگار را خیلی زود آغاز می‌کنند و غالباً از خانه و خانواده فراری‌اند.

۷. شب را در کنار خیابان به صبح می‌رسانند.

۸. هر چند بزهکاران از لحاظ عاطفی کم‌ثبات‌تر از غیربزهکاران هستند ولی از نظر شخصیتی دارای انرژی زیاد پرخاشگری، حادثه‌جویی و لجاجت بیشتری هستند.

روان‌شناسان معتقدند که بزهکاران در مورد تنش‌های عاطفی و مشکلات خویش

۹. بیشتر با عمل و رفتار مقابله می‌کنند تا درباره‌ی آنان بیندیشند.

۱۰. کمتر به اطاعت و تسلیم در برابر بزرگسالان و به ویژه صاحبان قدرت تمایل دارند.

۱۱. حالت دفاعی شدید دارند.

۱۲. کمتر به دیگران وابسته‌اند.

۱۳. به انگیزش‌های دیگران با سوء ظن و بدگمانی می‌نگرند.

۱۴. بزهکاران قانون‌شکن، بیشتر خودمدار هستند و ویژگی‌ها و گرایش‌های آنان از نقطه‌نظر سازگاری مطلوب در جامعه نامطلوب است.

۱۵. در عین حال نیز کمتر احساس بی‌پناهی، اضطراب و ترس از شکست در دل دارند.

در پایان برای شناسایی دقیق بزهکاری عنوان می‌داریم که بزهکاری به ارتکاب جرم‌هایی اطلاق می‌شود: که کمتر از سن معینی به وقوع پیوسته‌اند. تعیین میزان این سن به دست قانون است و بر حسب جوامع مختلف متفاوت است.

نتیجه‌گیری است که در یک زمان و مکان

تکرم بزهکاری شناخت عوامل‌هایی

بسیار دیگر مطالعه‌ی این

بسیار حقیقت کلیه‌ی پدیده‌های

بسیار مذهبی، خانوادگی و مانند

قطعی در بروز رفتار ضداجتماعی در کودکان دارد. (بولبی) معتقد است جدایی کودک از والدین، به خصوص مادر، موجب ناتوانی در برقراری رابطه‌ی عاطفی سالم و صحیح به هنگام بلوغ می‌شود. دکتر (هویر) روان‌شناس معاصر و پزشک بیماری‌های روانی، پس از بررسی‌های آماری ده کشور اروپایی مدعی شده است که ۸۸ درصد اطفالی که مرتکب گناه می‌شوند از خانواده‌های گسسته هستند. این دانشمند با تحقیق‌های خود نشان می‌دهد نزدیک به ۸۰ الی ۹۰ درصد از کودکان منحرف یا مجرم از خانواده‌هایی هستند که وضعی مغشوش و نابسامان داشته‌اند و شیرازه‌ی زندگی آنان از هم گسیخته شده است. طلاق و گسیخته شدن خانواده، حتی بیش از نزاع موقتی میان زن و شوهر، موجب ناراحتی اطفال و بزه‌کاری آنان می‌شود و از علل استثنایی ارتکاب جرم به شمار می‌رود. در کشور ما، طبق آمار که پیش از سال ۱۳۵۳ تهیه شده، بیش از ۶۵ درصد کودکان کانون اصلاح و تربیت اطفالی بودند که، با پدر و مادر خود اختلاف‌نظرها و تضادهای فکری و ذهنی داشته‌اند و این اختلاف‌ها انگیزه‌ی عصیان آنان بوده است. «آدلر» معتقد است که، نقص بدنی،

در این وضعیت نخستین وظیفه‌ی ما پافشاری درباره‌ی این نکته است که، هیچ مفهوم روانی بی‌ابهام و مشخص با مفهوم حقوقی بزهکاری تطبیق نمی‌کند. بیماری روانی مشخصی به نام بزهکاری و یا ریخت روانی معینی که مصرف تمام بزهکاران باشد وجود ندارد. به هر حال به نظر می‌رسد، بسیاری از پزشکان و روان‌شناسان، حقوق دانان و مربیان با وسوسه‌ی اعتقاد به یک نوع وجه اختصاصی زیستی - روانی بزهکاری هم‌پیمانند.

پیشگیری

تمام اطلاعات حاصل از بزهکاری نشان می‌دهند که برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان دستور یا فرمول خاصی وجود ندارد. آنچه که از مطالعه‌ها، گزارش‌ها و زمینه‌یابی‌های مقصود به روشنی استنباط می‌شود این است که، کل اجتماع باید در مورد پیشگیری و از بین بردن بزهکاری اقدام کنند.

اهمیت اقدام اجتماع در پیشگیری و مراقبت از بزهکاری چیست؟ پاسخ این پرسش روشن است: حتی ماهرترین متخصصان و پزشکان هم نمی‌توانند به اندازه‌ای که افراد جامعه می‌توانند در پیشگیری و مراقبت از بزهکاری در اجتماع موثر باشند کارایی داشته باشند. به بیان دیگر مشکلات بزهکاری در یک اجتماع را افراد همان اجتماع بهتر از هر فرد دیگری می‌توانند حل کنند. مثلی معروف بیان می‌دارد که (هر قدر یک اجتماع بهتر و سالم‌تر باشد به همان اندازه بزهکاری در آن اجتماع کمتر است). اشخاصی که در یک اجتماع زندگی می‌کنند بهتر می‌توانند به نقص‌ها و عیب‌های آن اجتماع آگاه باشند و چون خود ذینفع هستند، اقدام‌های موثرتری برای رفع آنها می‌بندول کنند.

در درمان بزهکاری، باید متوجه اجتماعی شدن صحیح فرد باشیم و به گونه‌ای مطلوب اطاعت از قوانین و مقررات اجتماعی صورت گیرد. مهمترین حیطه‌ای که در آن درمان بزهکاری موفقیت‌آمیز صورت می‌گیرد محیط آموزشگاه است که در حال حاضر تحقیق‌های فراوانی در زمینه‌ی ارزشیابی تراکمی آن مشاهده می‌شود. ایجاد انگیزه، افزایش خودپنداره و آموزش مهارت‌های تحصیلی در درمان بزهکاری نوجوانان در محیط آموزشگاهی کاربرد دارد. (تورنر و هلمز، ۱۹۸۲، ص ۵۱۸) از رایج‌ترین انواع درمان بزهکاری در نوجوانان می‌توان به اجتماع‌درمانی اشاره کرد. در اجتماع‌درمانی با سطوح متفاوتی روبرو هستیم. بدین ترتیب که در سطح اول دوره مقدماتی یا کارورزی مطرح می‌شود. در این سطح نوجوان می‌آموزد که چگونه با دیگران ارتباط برقرار کند و ارزش‌های آنها را مدنظر قرار می‌دهد. در این وضعیت نوجوان باید مقررات و قوانین مربوط به روابط اجتماعی را فراگیرد و آنها را درونی سازد. بنابراین، در مرحله‌ی اول نوجوان تلاش می‌کند تا مقررات اجتماعی و قوانین را شناخته و به آنها احترام بگذارد. در سطح دوم، به نوجوان

مسئولیت‌هایی داده می‌شود که، وی باید بتواند به عنوان عضوی از جامعه فعالیت‌های خاصی را صورت دهد و ویژگی‌های مسئولیت‌پذیری در این افراد افزایش می‌یابد. در سطح آخر، که کمتر شخصی در این مرحله در اردوگاه باقی می‌ماند اصطلاح معلم یا مباشر مطرح می‌شود و در این سطح نوجوان علاوه بر رشد اجتماعی مطلوب توانسته است مسئولیت‌پذیری را نشان دهد و آن وقت در نقش یک سرمشق، افرادی را که وارد به مرحله اول می‌شوند، مورد آموزش قرار داده و تلاش می‌کنند تا آنان را به فردی سودمند در اجتماع تبدیل کنند (هافمن، هاریس و هال، ۱۹۹۴، ص ۴۴۵)

در نهایت عنوان می‌داریم که برای شناسایی سبب‌شناسی بزهکاری باید به عنوان زیستی، اجتماعی و روانی توجه خاصی را مبذول کنیم. بنابراین با توجه به سابقه‌ی تخصصی، ضروری است که، اطلاعات تجربی را برای سبب‌شناسی بزهکاری از دیدگاه روان‌شناختی ارائه دهیم.

پیشنهادها کلی

برای اینکه بتوانیم میزان بزهکاری را در کشورمان کاهش دهیم باید به موارد زیر عمل کنیم:

۱. بالا بردن سطح شعور اجتماعی و سواد جامعه از طریق تاسیس کلاس‌های آموزشی به ویژه برای والدین
 ۲. بالا بردن سطح آگاهی و بینش خانواده برای پاسخگویی به احساس‌ها و عاطفه‌های فرزندان خود
 ۳. بالا بردن کیفیت آموزش علمی و حرفه‌ای کودکان در کانون‌های اصلاح و تربیت
 ۴. بهسازی و سالم‌سازی محیط اجتماعی برای دست یافتن به وسایل لازم برای پرورش کودک و نوجوان
 ۵. برنامه‌های اساسی و جدی برای بالا بردن سطح درآمد خانواده‌ها و کاستن از هزینه‌ها، دور کردن موجبات تزلزل و ناامنی از خانواده‌ها
 ۶. از میان برداشتن تبعیض‌های طبقاتی از جامعه که، بدون آن نمی‌توان انتظار کاهش کمبودهای اجتماعی را داشت.
 ۷. تعدیل نابرابری‌های طبقاتی
 ۸. فراهم کردن امکانات لازم برای تحصیل تا سطح عالی از سوی دولت، صرف‌نظر از موقعیت خانواده
 ۹. از میان بردن بدبینی دانش‌آموزان نسبت به ناموفق بودن در آینده و تامین زندگی آینده برای آنان
 ۱۰. توسعه خدمات رفاهی اجتماعی، درمانی، روانی و عاطفی و جمع‌آوری خلاقان و بزهکاران از سطح جامعه
 ۱۱. جلوگیری از آثار جنایی
- بسیاری از جامعه‌شناسان از جمله رایزمن، معتقد است که جدایی میان انسان و اجتماع که در حال دگرگونی است از مهمترین

جدید اجتماعی را به حرکت درآورده است. جنبش‌هایی نظیر کنفرانس‌ها، نمایشگاه‌ها، جلسه‌های بحث و گفت‌وگو، باشگاه‌های مخصوص جوانان و جز این‌ها. نتیجه و محصول این سازماندهی گروهی اوقات فراغت، ایجاد دایره‌ی ارتباط‌های انسانی، از میان رفتن اندوه و فعل‌پذیری و بی‌تفاوتی نسبت به زندگی است. با تشویق افراد به دخالت فعال، زندگی روزانه مفهوم جدیدی می‌یابد و یک روح گروهی و به تعبیری روح انسانی، افراد ساکن را به تحریک وامی‌دارد. سطح ذوق‌ها و سلیقه‌ها بالا

چرا است که در یک زمان و

در مکان‌های بزهکاری شناخت

می‌کنند. یا به عبارت دیگر

چرا در آن می‌گیرند، در

آن می‌کنند، بهداشتی،

و آن‌ها را در جامعه شامل

می‌رود و از آن طریق افکار نو، عادت‌های جدید زندگی و روش‌های فعال‌تر که موجب دل‌بستگی بیش از پیش انسان به زندگی اجتماعی و فرهنگی رایج است، شکل می‌گیرد. نتیجه‌ی این امر برای خانواده بسیار ارزشمند است. انزوا، گم‌کردگی هویت، اندوه، خستگی، فرسودگی والدین، به خصوص مادر، کاهش می‌یابد. و در نتیجه از عصبانیت، فشار روانی و تشویش آنان کاسته می‌شود. با تمامی این‌ها باید گفت که، در اکثر موارد غیبت طولانی والدین از خانواده، نقش تربیتی آنان را نسبت به گذشته محدودتر ساخته است. بدین ترتیب، پرکردن این خلا، بر عهده گرفتن پاره‌ای از مسئولیت‌های تربیتی والدین و به خصوص برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت کودکان و نوجوانان نیز می‌باید از جمله وظایف واحد گروهی باشد. همانگونه که (دومازویه) می‌گوید: (وقت آزاد فرصتی است برای کلیه‌ی اشکال اضمحلال، یا برعکس، شگفتی انسانی) اما وقت آزاد فقط هنگامی نتایج مثبت در پی خواهد داشت که سازمان و تجهیزات لازم برای پاسخگویی به نیازهای کودکان و نوجوانان، با توجه به سن و رشد اجتماعی آنان موجود باشد.

منابع و ماخذ

۱. نوابی‌نژاد، شکوه رفتارهای بهنجار و نابهنجار نوجوانان، انتشارات اولیاء و مرییان، سال ۱۳۸۱
۲. ستوده و میرزایی، روان‌شناسی جنایی، انتشارات آوای نور، ۱۳۸۱
۳. ستوده هدایت ا.، آسیب‌شناسی اجتماعی، جامعه‌انحرافات آوای نور، ۱۳۸۱
۴. کی‌نیا، مهدی، مبانی جامعه‌شناسی، جلد ۲، انتشارات شفق
۵. کلاین‌برگ، اتو روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه علی‌محمد کاردان، انتشارات اندیشه، ۱۳۶۹
۶. فرجاد، محمدعلی، آسیب‌شناسی اجتماعی، انتشارات اجتماعی، ۱۳۷۲.

علت‌های ازدیاد بزهکاری نوجوان به شمار می‌رود، زیرا امروزه مکانیسم‌های سازگاری با محیط، به نسبت سرعت تحول‌ها و تغییرهای فنی، کندتر شده است. بنابراین، اولین گام در راه این مبارزه از میان برداشتن منشای تشویش یعنی بی‌تعادلی فوق است. زندگی انسان می‌باید به گونه‌ای فراهم شود که تنها به‌ر فاه مادی محدود نباشد و امنیت، مسئولیت و محبت را نیز در بر داشته باشد. پیشرفت‌های فنی چنان موجب کاهش ساعت کار و افزایش فراغت شده‌اند که برخی از جامعه‌شناسان، اجتماع کنونی را تمدن فراغت نامیده‌اند. (دومازویه) در کتاب خود به نام به سوی تمدن فراغت می‌نویسد که، فراغت یکی از عناصر اساسی زندگی میلیون‌ها کارگر شده است و ارتباط‌های دقیقی با تمامی مسایل مهم مربوط به کار، خانواده و سیاست دارد. این مفاهیم تحت تاثیر فراغت، تعریف‌های نوینی یافته‌اند. ولی معتقد است که فراغت سه نقش اساسی به عهده دارد: زدودن خستگی، تفریح، رشد. اولی رفع خستگی می‌کند، دومی اندوه و کسالت را می‌زداید و سومی شامل کلیه‌ی فعالیت‌های مثبتی می‌شود که، شخص خارج از فعالیت‌های شغلی، به منظور کسب و تکمیل دانش خود انجام می‌دهد. در حال حاضر این سه نقش برابر نیستند و سومی نسبت به دوتای دیگر شیوع کمتری دارد. در هر حال مطلب مهم این است که ازدیاد ساعت‌های فراغت، بسیاری از عادت‌ها و آداب مردم را چنان دگرگون ساخته که اگر بخواهند فراغت را به بهشت مصنوعی تبدیل کنند و آن را در پرورش شخصیت و قوای معنوی به کار برند، یادگیری نوینی مورد نیاز است. بنابراین با توجه به دگرگونی مفهوم ساعت‌های فراغت درباره‌ی مسایل مربوط به کار، خانواده و مسکن بازسنجی ارزش‌ها امری ضروری است. این ارزشیابی جدید دست‌کم در برخی زمینه‌ها، با استفاده از تجربه‌های گذشته، آغاز شده است. شهرسازان و مهندسان معمار با کمک جامعه‌شناسان تلاش جدیدی را آغاز کرده‌اند و می‌کوشند ساختمان‌های جدید به‌وسایل اجتماعی و فرهنگی مجهز باشند. بر خلاف ساختمان‌های عظیم بتونی که چون لانه‌ی زنبور صدها خانواده را در خود جای می‌دهد و بهترین محل برای پرورش گروه‌های بزهکار است، هدف اصلی تاسیسات ساختمانی جدید، افزون بر رفاه مادی، تسهیل ارتباط میان ساکنان است و می‌کوشد این امکان را فراهم کند که افراد به‌طور گروهی از وسایل فرهنگی متعددی که به همین منظور تامین شده، برخوردار شوند و وسایل تسهیل در اجرای مسئولیت‌های خانوادگی فراهم آید و گروه‌های کودکان و نوجوانان به سوی هدف‌های سازنده راهنمایی شوند. به تازگی در برخی از محله‌های مسکونی جدی فرانسه این مسایل رعایت می‌شوند و مراکز فعالیت‌های اجتماعی به وجود آمده‌اند. این مراکز در حال حاضر به دست افراد داوطلب اداره می‌شوند، اما بعید نیست که همین افراد بنیانگذاران شغل‌های جدید آینده باشند. به هر حال، فعالیت‌های این افراد جنبش‌های